

فصل دوازدهم:

تحصیلات مصدق

مصدق السلطنه تحصیلات مکتبی و قدیمی داشت. بعد از افتتاح مدارس جدید از اوایل سال ۱۲۸۱ هجری شمسی به فرا گرفتن دانش جدید می پردازد. مصدق در کتاب خاطرات و تألمات در این مورد چنین می نویسد:

"... از این نظر که یک مستخدم دولت [مستوفی خراسان] پس از سالها تصدی کار و خدمت نمی توانست در عداد محصلین در آید وسایل تحصیل خود را در حدود برنامه آن مدرسه در خانه تهیه کردم و ایامی را که با استادان گرامی شادروان شیخ محمد علی کاشانی - میرزا عبدالرزاق خان بغایری - میرزا غلامحسین خان رهنما - و میرزا جواد خان قریب دیپلمه مدرسه سیاسی و ناظم مدرسه آلمانی گذرانیده ام فراموش نمی کنم و خود را مرهون الطافشان میدانم.

در آنوقت هیچ چیز برایم اهمیت نداشت جز اینکه هر روز قدری بر معلومات خود بیفزایم و دو چیز سبب شد که من از خدمت دولت صرفنظر کنم. یکی این بود که از مسئولیت کاری که داشتم خود را خلاص کنم تا بهتر بتوانم تحصیل کنم، دیگر اینکه تبلیغات بر علیه مستوفیان روز بروز شدت میکرد و من خود را از جرگه ی آنان خارج نمایم و علت شدت تبلیغات این بود که بعد از مشروطه این فکر در جامعه قوت گرفت که تجدید رژیم مستلزم تشکیلات جدید است. کارمندان قدیم باید از کار خارج شوند و جای خود را باشخاص جدید بسپارند.

این حرف صحیح بود اگر مشروطه هم روی یک زمینه و سوابقی نصیب ما شده بود و مملکت میتوانست از اشخاص مطلع رژیم استفاده کند. گویندگان کسانی بودند که چندی بخارج رفته جریان مشروطه را از دور دیده و معلوماتی جز یک اطلاعات سطحی با خود بایران نیاورده بودند و دیگران حتی نام مشروطه را هم نشنیده و بین استبداد و مشروطه فرق نمی گذاشتند. روی این عقیده و فکر عده ای از هواخواهان تجدید زبان بانتقاد گشودند و از تشکیلات وزارت مالیه یگانه تشکیلات منظم مملکت و متصدیان آن تنقید نمودند و چون سبک سیاق این بود که در افراد خطوط افقی ترسیم کنند سپس اقلام و ارقامی را ذیل آن خطوط بنویسند مستوفیان را بلقب «دراز نویس» ملقب و بآنها بدون استثناء دزد خطاب نمودند. بطوریکه لفظ مستوفی و دزد مترادف شده بود ... " (۴۶)

مصدق السلطنه بخاطر ادامه تحصیلات عالی عازم فرانسه می شود. در ماه مارس ۱۹۰۹ وارد پاریس می شود. در مدرسه علوم سیاسی پاریس مشغول تحصیل می گردد. وی در ۱۵ نوامبر همان سال موفق میشود در مدت زمان کوتاهی، سال اول علوم سیاسی را تمام کند. اما بخاطر مریضی و ناراحتی های ناشی از آن نمی تواند به مدرسه برود و تصمیم می گیرد که به ایران برگردد. زمان این برگشت مصادف است با اواخر خرداد ماه، مقطع تاریخی که پایتخت ایران از سوی مشروطه خواهان و نیروهای مخالف استبداد محمد علی شاهی که از نیرو های نامتجانسی تشکیل شده بودند، فتح میشود. (۴۷)



۳۰ - محمد مصدق السلطنه در دوره تحصیلات عالی در پاریس. اقتباس از کتاب مصدق و مساعل حقوق و سیاست ، گرد آوری: ایرج افشار (از مجموعه عکس های دکتر علی محمد میر و دکتر محمد علی میر) .

سفر دوم مصدق به اروپا - فرانسه و سوئیس - بخاطر ادامه تحصیلات عالی

مصدق برای بار دوم در اوایل سلطنت احمد شاه قاجار برای ادامه تحصیلات عالی عازم اروپا می شود. اینبار مادر ، همسر و سه فرزندش وی را در این سفر همراهی میکنند. مصدق در اینبار ه در کتاب خاطرات و تألمات مینویسد:

" چون مادرم حاضر نشده بود رفع حجاب کند در روسیه یک شال پشمی که دهقانان بسر می کنند برایش خریدم...". (۴۸) مصدق در شهر « نوشاتل » در سوئیس موفق به دریافت لیسانس حقوق می شود . در حین کار در یک دفتر حقوقی مقدمات اولیه نگارش رساله دکترای خود را با عنوان « مدارک حقوق اسلامی و وصیت در مذهب شیعه» آماده می کند. مصدق در کتاب خاطرات و تألمات در اینمورد می نویسد:

" موضوع تز را هم که دانشکده حقوق تصویب کرده بود راجع بوصیت در حقوق اسلامی بود که در تهران بهتر میتوانستم کار کنم، یعنی اول بفارسی تهیه کنم و متخصصین اظهار نظر کنند سپس آن را ترجمه کرده به دانشکده پیشنهاد نمایم. این بود که تصمیم گرفتم اشرف و احمد دختر و پسر بزرگم را در خانواده ای که دوسال آنجا بودند بگذارم با خانواده و پسر کوچکم غلامحسین حرکت نمایم....

... نمیدانم چه پیش آمده بود که نتوانستم آن را [آن تز را] با کمک استاد خود شادروان شیخ محمد علی کاشانی تهیه کنم. با شادروان شمس العلماء قریب مشورت کردم علی اصغر ماجدی را در نظر گرفت و من نه فقط از معلومات بلکه از صحت عمل او هم در کاری که مادرم در عدلیه داشت استفاده نمودم و بعد مقدمه ی آن را هم که مربوط بمدارک حقوق اسلامی است با نظر استاد خود شیخ محمدعلی [کاشانی] تهیه کردم که دیگر کاری نداشت جز اینکه ترجمه

شود و آن را در سوئیس بهتر می توانستم بانجام رسانم." (۴۹)



۳۲ - تصویر عنوان رساله دکترای مصدق به زبان فرانسه



۳۱ - تصویر ترجمه عنوان رساله دکترای مصدق به زبان فارسی

کتاب رساله دکترای دکتر مصدق ، (۵۰) همان کتابی است که سید حسن تقی زاده در کتاب خاطراتش - " زندگی توفانی " - ، به آن اشاره می کند و می نویسد سرلشگر آز موده دادستان نظامی دولت بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ قصد داشته است از محتوی آن کتاب که سرلشگر ، بخشهایی از آنرا خلاف اسلام تشخیص داده بود ، در دادگاه فرمایشی علیه مصدق مورد استفاده قرار دهد. (۵۱)



۳۳ - محمد مصدق السلطنه زمان تحصیل دوره دکتری حقوق در نوشاتل - سوئیس
(اقتباس از کتاب " مصدق به بیان تصویر " - سرهنگ جلیل بزرگمهر)

" محمد مصدق " ، اولین ایرانی دارای درجه دکترای حقوق

دکتر محمد مصدق (مصدق السلطنه) در سال ۱۹۱۳ به اخذ درجه دکترای حقوق موفق می گردد. وی اولین ایرانی است که درجه دکترای حقوق را کسب کرده است. در آن دوران افراد ایرانی که دارای تحصیلات دانشگاهی و درجه دکترا بودند ، تعدادشان بسیار اندک و در واقع انگشت شمار بودند. (۵۲)

فعالیت های علمی ، فرهنگی و دانشگاهی دکتر مصدق در ایران

دکتر مصدق در فصل چهاردهم کتاب خاطرات و تألمات نوشته است :
 « تصمیم گرفته بودم بعد از ختام تحصیل باز مدتی از عمر خود را صرف مطالعه کنم و پاره ای از ابواب حقوقی را که در دانشکده مقدماتشان دیده شده بود در ایران تکمیل نمایم که بعد از ورود بطهران شادروان دکتر ولی الله خان نصر مدیر مدرسه سیاسی (۵۳) بدیدم آمد و مرا برای تدریس در آن مدرسه دعوت نمود. این دعوت که موضوع مطالعاتم را معلوم نمود خوشوقتیم را نیز فراهم کرد، چه وقتی آرزو داشتم مثل یک شاگرد در آن مدرسه تحصیل کنم وضعیتم اجازه نمیداد و آن روز مدیر مدرسه [علوم سیاسی] بخانه ی من آمد و مرا بجای یک استاد دعوت نمود. « (۵۳)

کتاب های « کاپیتولاسیون و ایران » (طهران، ۴ ذیحجه ۱۳۳۲ قمری هجری)، « شرکت سهامی در اروپا » (طهران، ۲۱ عقرب ۱۳۳۲ قمری هجری)، « دستور در محاکم حقوقی » (طهران، ۱۳۳۵ قمری) ، « حقوق پارلمانی در ایران و اروپا » (طهران، دلو ۱۳۰۲) ، « اصول قواعد و قوانین مالیه در ممالک خارجه و ایران » (۱۵ آبانماه ۱۳۰۴ - ۱۹ ربیع الثانی ۱۳۴۴) از جمله تألیفات دکتر مصدق بزبان فارسی در آن دوران هستند که پس از نگارش و چاپ، مصدق آنها را بطور مجانی مابین علاقمندان پخش کرد.

همچنین کتاب « مدارک حقوق اسلامی و وصیت در مذهب شیعه » (پاریس ، ۱۹۱۴ میلادی)، که قبلا به آن اشاره رفت و مطلبی دیگری تحت عنوان « در خصوص مسئولیت دولت برای اعمال خلاف قانونی که از مستخدمین دولتی در موقع انجام وظایفشان صادر می شود و قاعده عدم تسلیم مقصرین سیاسی » (پاریس، ۱۹۱۳ میلادی) از تألیفات دکتر مصدق می باشند که بزبان فرانسه نگاشته شده اند.

در کتاب خاطرات مصدق می خوانیم :

« ... خلاصه اینکه اوقاتم تمام بمطالعه میگذشت و از کارم بسیار راضی بودم تا یکی از روزها که شادروان حاج میرزا یحیی دولت آبادی بدیدم آمد و بدنبال مطالبی که با من وقتی در سوئیس صحبت کرده بود مذاکراتی کرد و باین نتیجه رسید اگر یک عده از کسانی که در

خارج تحصیلاتی کرده اند جمعیتی تشکیل دهند میتوانند کارهای مفیدی بنفع مملکت بکنند که روی این نظر هیئتی از این اشخاص :

دولت آبادی - فیروز نصرت الدوله - غفاری ذکاء الدوله - محمد علی نظام مافی سالار معظم (اکنون سناتور نظام السلطنه) - موسی شییبانی ذکاء السلطنه و این جانب [مصدق السلطنه] تشکیل گردید و تصمیم گرفتیم مجله ای بنام "مجله علمی" منتشر کنیم و در شماره اول آن بر حسب ذوق و معلومات خود مطالبی درج نمائیم.» (۵۴)

مجله علمی بطور ماهانه، جمعاً در ۱۰ شماره انتشار پیدا کرد که علاوه بر افراد فوق که مصدق در خاطرات خود از آنها یاد کرده است افراد دیگری در انتشار آن همکاری کرده اند از جمله: یحیی قراگزلو (اعتمادالدوله) و صالح لقمان. (۵۵)



حواشی، توضیحات و مأخذ کتاب اول

- ۴۶ — مصدق، دکتر محمد، خاطرات و تألمات، به کوشش ایرج افشار، صفحه ۵۴
- ۴۷ — همان مأخذ، صفحات ۶۸ تا ۷۱.
- ۴۸ — همان مأخذ. صفحه ۷۵.
- ۴۹ — همان مأخذ، صفحات ۷۹ و ۸۰.
- ۵۰ — متین دفتری، دکتر هدایت، یاد واره پنجاهمین سال ملی شدن صنعت نفت، تشکیل دولت مصدق. مجله آزادی — نشریه جبهه دمکراتیک ملی ایران، دوره دوم، شماره ۲۶ و ۲۷ — تابستان و پائیز ۱۳۸۰. صفحه ۲۲
- ۵۱ — سید حسن تقی زاده، زندگی توفانی، صفحه ۷۵.
- ۵۲ — سرهنگ غلامرضا نجاتی، مصدق سالهای مبارزه و مقاومت، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ دوم ۱۳۷۸ صفحه ۳ و.
- کاتوزیان، دکتر همایون، مصدق و نبرد قدرت، ترجمه احمد تدین، چاپ نخست، ۱۳۷۱ صفحه ۲۹ و.
- افشار، ایرج، مصدق و مسائل حقوق و سیاست، چاپ اول: ۱۳۸۲، صفحه ۲۹، انتشارات سخن، چاپ: چاووشگران نقش.
- ۵۳ — دکتر همایون کاتوزیان، در صفحه ۳۷ کتاب: "مصدق و نبرد قدرت" نوشته است: «مصدق در ضمن، دعوت محمد علی فروغی، ذکاء الملک را برای پیوستن به کادر استادان مدرسه حقوق و علوم سیاسی پذیرفت. مدرسه مزبور به خاطر تربیت کادر جدید دیپلماتیک برای وزارت خارجه دایر شد، اما به دنبال انقلاب مشروطیت جنبه دانشگاهی صرف پیدا کرد. (* — ۵۳ — الف) مصدق با به یاد آوردن این دعوت، آن را از خاطرات خوش دوران زندگی می شمرد، چون برای تدریس در رشته ای دعوت شده بود که خود در جوانی شوق تحصیل آن را داشت.»
- روشن نیست چرا و بچه دلیل دکتر کاتوزیان نام دعوت کننده از مصدق برای کادر استادی مدرسه علوم سیاسی را "محمد علی فروغی، ذکاء الملک" ذکر کرده است، اگرچه مأخذ سند مورد استفاده اش، فصل چهاردهم همان کتاب خاطرات مصدق بوده است، در حالیکه دکتر مصدق همانطور که قبلاً اشاره کردم در همان فصل کتاب، صحبت از

دعوت از سوی «شادروان دکتر ولی الله خان نصر مدیر مدرسه سیاسی» نموده است و بهیچوجه صحبتی از «محمد علی فروغی، ذکالملك» در میان نیست.

— (* — ۵۳ — الف) — مدرسه علوم سیاسی از سوی میرزا نصرالله خان نائینی — مشیرالدوله —، تأسیس شد. فردی که در هنگام صدراعظمی اش فرمان مشروطیت از سوی مظفردالدین شاه بنام ایشان صادر شد و در هنگام انعقاد قرارداد داری و وزیر امور خارجه کابینه میرزا علی اصغر خان اتابک اعظم بود و مبلغ ۵ هزار لیره انگلیسی از «ماریوت» نماینده تام الاختیار داری برای امضای آن قرارداد دریافت کرد. (** — ۵۳ — ب)

عده ای از تاریخنگاران از جمله زاوش (حسین ملکی) مؤلف کتاب دو جلدی «دولت های ایران در عصر مشروطیت»، تشکیل مدرسه علوم سیاسی را منفی جلوه می دهند، آنهم به این دلیل که بنیانگذار آن مدرسه «مشیرالدوله» بوده است و بخوانندگان کتاب خود چنین تلقین می کنند که در آن مدرسه کادرهای سیاسی برای دفاع از سیاست استعماری انگلیس تربیت می شده است، بدون اینکه به این مسئله هم توجه کنند که از طریق آن مدرسه عده ای از ایرانیان با یکسری مسائل سیاسی و وجود نظام های قانونی و اداره کشور از طریق نمایندگان ملت آشنا شدند. همین استدلال غلط را در رابطه با تبلیغ قانون و شعارهایی همچون «آزادی، برابری، برادری» از سوی افرادی همچون ملک خان بکار برده اند!

— (** — ۵۳ — ب) — فاتح، مصطفی، پنجاه سال نفت ایران، صفحه ۲۵۴. چاپ اول، تهران، بی نا، ۱۳۳۵.

۵۴ — مصدق، دکتر محمد، خاطرات و تألمات، به کوشش ایرج افشار، صفحه ۸۳.

۵۵ — افشار، ایرج، مصدق و مسائل حقوق و سیاست. چاپ اول: ۱۳۸۲، انتشارات سخن، چاپ: چاووشگران نقش. صفحه ۲۵۵.

— متین دفتری، دکتر هدایت، یادواره پنجاهمین سال ملی شدن صنعت نفت، تشکیل دولت مصدق. مجله آزادی — نشریه جبهه دمکراتیک ملی ایران، دوره دوم، شماره ۲۶ و ۲۷ — تابستان و پائیز ۱۳۸۰. صفحه ۲۲. دکتر متین دفتری در آن نوشته صحبت از انتشار ۱۵ شماره نشریه علمی نموده است.